

سیاق و سباق در تفاسیر قرآن*

دکتر مجید معارف^۱ / محمدصادق حق شناس^۲ /

امیرعلی ابوالفضل^۳

چکیده

یکی از کلید واژه‌های مهم در تفاسیر به ویژه تفاسیر متأخر کلید واژه سیاق است که مفسرین در کنار آن به قاعده سباق هم عنایت دارند. این پژوهش در پی آن است که ضمن توجه به قاعده سیاق و مقایسه آن با واژه سباق (یا همان تبادر)، به کارکردهای این دو قاعده و ارتباط آن در تفاسیر بپردازد. در این پژوهش همچنین به مبانی اثرگذار در سیاق، انواع سیاق، شروط تحقق سیاق و غلبه سباق بر سیاق و میزان تأثیرگذاری قاعده سیاق در تفسیر آیات و روایات پرداخته و با ذکر نمونه‌های متعدد، کاربرد سیاق در تفاسیر تبیین شده است. از جمله این موارد، کشف معنا و مراد کلمات و جملات، توسعه و ضیق معنا، بیان ترتیب نزول آیات، تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، نقد روایات تفسیری و... است. از سوی دیگر فزونی کاربرد سیاق در برخی تفاسیر، نشان از اهمیت این قاعده و کوشش مفسران در بهره بردن از آن قاعده برای کشف مفاهیم آیات است. به نظر برخی از مفسران، در تعارض سیاق با سباق، سباق مقدم، و در تعارض آن با حدیث مأثور، سیاق مقدم است.

کلید واژه‌ها: قاعده سیاق، سباق، روش های تفسیری.

* دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۵.

۱. استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران. maaref@utacir

۲. دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین. Sadegh57145714@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. ghoranman@gmail.com

۱. طرح مسأله:

این پژوهش در پی آن است که ضمن ارائه تعریف مشخص از دو قاعده سیاق و سباق به پرسش‌هایی در این خصوص پاسخ دهد. پرسش‌هایی از قبیل اینکه سیاق و سباق در تفسیر چه جایگاهی دارد؟ رابطه این دو چیست؟ کارکردهای هر یک کدام است؟ کدام یک از نظر صاحبان تفاسیر در اولویت است؟ و در هنگام تعارض کدام یک بردیگری مقدم می‌شود؟

۲. مقدمه

۱-۲. تعریف لغوی و اصطلاحی سیاق و سباق

۱-۱-۲. معنای لغوی سیاق و سباق

سیاق در لغت از ریشه «س و ق» است که به معنای نزع و کنده شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۹۰) راندن شتر (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۵۳)، تابع و پی در پی (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۹۸) و خدو و الشیء (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۷) آمده است. همچنین زمخشری سیاق را به طور مستقیم با حدیث و سخن پیوند می‌دهد و آن را نظم و پیوستگی معنا می‌کند. (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۳۱۴) البته در زبان فارسی به معنای اسلوب، روش و طریقه، راندن چارپایان، (معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۶۷) و همچنین مهر و کابین و دست پیمان (دهخدا، ۱۳۵۵، ج ۲۹، ص ۷۴۳) نیز آمده است.

سباق از ریشه سبق است. السَّبْقُ: به معنی «القدمة» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۸۵)، در تعریفی دیگر «السَّبْقُ: القُدْمَةُ فِي الْجَرِيِّ وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ» (ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۵۱) و در فرهنگ فارسی معین و دهخدا نیز به معنی پیشی گرفتن آمده است. (دهخدا، ۱۳۵۵، مدخل سبق؛ معین، ۱۳۶۳، مدخل سبق)

۲-۱-۲. معنای اصطلاحی «سیاق»

معرفت سیاق را همان جهت خاص کلام می‌دانند که موجب ارتباط و اتصال صدر و ذیل میانه کلام می‌شود و اهداف تعابیر وارده در کلام را مشخص می‌سازد

(معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۱) لیکن صدر تعریف دیگری ارائه می‌دهد. سیاق از نظری هرگونه دلیلی است که با لفظی که اراده فهم آن را نموده‌ایم پیوند خورده است، چه از دلالت‌های لفظی باشد و چه از دلالت‌های حالیه. (صدر، ۱۴۱۵، ص ۱۰۳) اوسی نیز سیاق را قرآنی می‌داند که مفسر را در شناساندن یاری می‌دهد، چه لفظی و چه معنوی. (اوسی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳)

۳-۱-۲. معنای اصطلاحی سیاق

«سیاق» در علم اصول «تبادر» نام دارد. برای نمونه آخوند خراسانی تصریح می‌کند: «لا یخفی أن تبادر المعنی من اللفظ وانسباقه إلى الذهن من نفسه - وبلاقرینه - علامة كونه حقیقة فيه، بدهاثة أنه لولا وضعه له لما تبادر...» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۱۸)

«مخفی نماند که تبادر معنا از لفظ و به ذهن آمدن معنا از نفس لفظ، بدون وجود قرینه، علامت و نشانه است بر حقیقت بودن لفظ در معنی، چراکه بدیهی است که اگر لفظ وضع نشده بود برای آن معنا، تبادری در کار نبود.» (سمیعی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۱)

صدر تبادر را انسباق معنی به ذهن تعریف می‌کند. (صدر، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۹۰). مظفر نیز تبادر را انسباق معنی از لفظ می‌داند، بدون اینکه از هیچ‌گونه قرینه‌ای استفاده شود. (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۸)

در میان مفسران متأخر، جوادی آملی اصطلاح «سیاق» را در آثار خود استفاده کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۱۵)

۲-۲. سابقه تاریخی استفاده از سیاق در تفاسیر مفسران

استفاده از این قاعده مهم تفسیری به دوران صدر اسلام و حتی به پیش از دوره تدوین کتب تفسیر برمی‌گردد. برای مثال به داستانی از خلیفه دوم و جوانی از انصار که در قالب روایتی تاریخی آمده است، اشاره می‌شود:

«انّ عمر مریوما بشاب من فتيان الأنصار وهو ظمآن فاستسقاها، فخلط له الفتى الماء بعسل وقدمه إليه، فلم يشربه، وقال إنّ الله تعالى يقول: «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي

حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا» فقال له الفتى: إنها ليست لك ولا لأحد من أهل القبلة. أترى ما قبله: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا». فقال عمر: كل الناس أفاقه من عمر». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۲، امینی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۱۵۰)

روزی عمر در حال تشنگی، گذرش به یکی از جوانان انصار افتاد، از او درخواست آب کرد، جوان پس از مخلوط کردن آب و غسل، آن را به عمر تقدیم نمود. عمر آن را ننوشید و گفت: خداوند متعال می‌گوید: «نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایان [خودخواهانه] صرف کردید». جوان به او گفت: این آیه [مخاطبش] تو و هیچ یک از اهل قبله نیست، آیا [عبارت] قبلش را ندیدی: «روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه می‌دارند [فرشتگان عذاب به آن‌ها گویند]: شما نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایان [خودخواهانه] صرف کردید و از آن‌ها برخوردار شدید». سپس عمر گفت: همه مردم از عمر دانانزند.»

در روایت فوق به خوبی نحوه استفاده از قاعده سیاق مشهود است، اگرچه پرواضح است که هنوز این قاعده به عنوان یک قاعده تفسیری و در چارچوب‌های تعریف شده مطرح نبود و حتی هنوز نامی از واژه سیاق نبود و این قاعده در دوره تدوین کتب تفسیری و به طور مشخص در دوره طبری به مقوله تفسیر، راه پیدا کرد (کنعانی، ۱۳۸۴، ص ۳۴). البته مطالعه در تاریخ تفسیر نشان می‌دهد که این قاعده به تدریج شکل گرفت و گذر ایام کمک کرد تا گسترده‌تر شده و با تعریفی مشخص تبدیل به یکی از مهم‌ترین قواعد تفسیری شود، به گونه‌ای که تفسیر طبری (۳۱۰ م) - که احتمالاً اولین بار واژه سیاق را در مفهوم اصطلاحی و به صورت قاعده‌ای تفسیری استفاده کرده است - در ۳۰ جلد تفسیر، حدود ۵۸ مرتبه از این واژه استفاده می‌کند. ولی در تفسیر بحرالمحیط (۷۴۵ م) و تفسیر ابن کثیر (۷۷۴ م) که هر دو چهار قرن بعد از تفسیر طبری نگاشته شده‌اند، به ترتیب ۱۶۷ و ۲۶۹ مرتبه از این واژه در متن تفسیر خود بهره جسته‌اند.^۱

۱. این آمار با استفاده از جستجو در نرم افزار جامع التفاسیر به دست آمده است.

اما در تفسیر المیزان، این میزان به بیش از دو هزار مرتبه می‌رسد که نشان از عنایت و توجه ویژه طباطبایی به این مقوله و آشنایی گسترده ایشان با ادبیات ویژه قرآن است.

۳. سیاق و سباق در تفاسیر متاخر

۳-۱. تعریف سیاق و سباق از نگاه جوادی آملی

برخلاف علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی سعی کرده است تعریف جامعی از سیاق و سباق به دست خواننده و مخاطبان خود بدهد. آقای جوادی آملی سیاق را چنین تعریف می‌کند: «سیاق معنایی است که با ملاحظه صدر و ذیل کلمه یا جمله (فضای کلام) به ذهن می‌رسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۱۱۵)؛

البته از نظری «سیاق» هرگز ارزش «سیاق» را ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۱۱۷)
استاد جوادی آملی معتقدند مستفاد از سیاق و سباق گاهی معارض‌اند و گاه قابل جمع‌اند، و هر دو به استظهار یکدیگر، نکته‌ای تفسیری را بیان می‌کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۴۶۶ / جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۱۳۱، ۱۴۷)

۳-۲. مبانی اثرگذار در سیاق

۳-۱-۱. انسجام داخلی قرآن

آیات قرآن کریم در سراسر کتاب آسمانی متشابه و مثنایی همدیگر هستند و نمی‌توان آیه‌ای را بدون در نظر گرفتن معنا و محتوای سایر آیات، فهم یا تبیین کرد، چنان‌که مرحوم طباطبایی چنین می‌نویسد: «آیات قرآن به این دلیل مثنایی نامیده شده‌اند که برخی، بعضی دیگر را توضیح می‌دهد و به سوی آن انعطاف و انحناء دارد». (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۹۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۲۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۴)

۳-۱-۲. چینش آیات و سور قرآن

آقای طباطبایی چینش فعلی «تمام قرآن» را وحیانی نمی‌داند.

ایشان در بیان چرایی توقیفی نبودن آیات و سوره قرآن کریم معتقدند که: «به طور مسلم، جمع‌آوری قرآن به صورت یک کتاب، بعد از درگذشت رسول خدا (ص) اتفاق افتاده است» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۲۰). البته استاد جوادی آملی برخلاف ایشان چنین آیات هر سوره و نحوه تنظیم آن را به دستور پیامبر ﷺ می‌دانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵)

نیز به اعتقاد آقای معرفت، چون چینش و ترتیب آیات هر سوره، نظم طبیعی داشته و برحسب نزول بوده است، اصالت سیاق یکی از معیارهای استنباط و استناد است (معرفت، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۷۰-۷۴).

۳-۳. انواع سیاق

در خصوص انواع سیاق بسته به زاویه نگاه، دسته‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است و سیاق را عمدتاً به سیاق عام یا اسلوبی، سیاق سوره، سیاق سوره و سیاق آیات در سوره تقسیم کرده‌اند.

۳-۴. سیاق در تفسیر تسنیم

بعد از المیزان، در تفسیر تسنیم که در بیست و چهار جلد چاپ شده - که شامل تفسیر آیات اول قرآن تا آیه ۲۴ سوره انعام می‌باشد - حدود پانصد مورد از سیاق استفاده شده است.^۱ بی‌گمان کثرت استفاده از این قاعده در کمتر از شش سوره، بیانگر توجه این مفسر به جایگاه سیاق در فهم حقایق و لطایف قرآن و تأثیر قاعده سیاق در شرح آیات قرآن است.

۳-۵. کارکردهای سیاق

۳-۵-۱. کارکردهای سیاق در تبیین روایات

توجه به سیاق در جای‌جای برخی تفاسیر، از جمله تفاسیر المیزان و تسنیم، به چشم

۱. برای کسانی همچون آیت الله جوادی آملی که قائل به توقیفی بودن سوره هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۴۵؛ ج ۱۷، ص ۸۴).

۲. از جلد ۲۴ به بعد امکان جستجوی نرم افزاری تاکنون فراهم نگردیده است.

می‌خورد. برای مثال در تفسیر تسنیم در توضیح خطبه پرمز و راز ۸۰ نهج البلاغه - که در رابطه با ویژگی‌های زنان (نواقص الایمان، نواقص اللحظوظ و نواقص العقول) ایراد شده است - توجه به سیاق و سباق روایت را برای فهم صحیح روایت، ضروری می‌داند.

همچنین معتقد است در استشهاد به سیاق، صدر سخن، معیار است و زمام ظهور سخن به دست صدر حدیث است، نه ذیل آن. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش - ج، ص ۵۸) ایشان اساس کلام را قسمت ابتدایی آن می‌دانند که گوینده آن را تقدیم داشته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۵۷ / جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۶۹)

۳-۵-۱-۱. نقش سیاق در فهم روایات

نقش سیاق در کشف معانی واژه‌ها، شناخت مرجع ضمیر، کشف معنای روایت و ترکیب نقش مفردات واژگان و مواردی از این قبیل در تفاسیر متأخر، مشهود است. در اینجا برخی از این موارد را با ذکر مثال، به اجمال بیان می‌کنیم.

۳-۵-۱-۱-۵. نقش سیاق در شناخت مرجع ضمیر

در موارد عدیده‌ای مؤلف تفسیر تسنیم با مهارتی تحسین برانگیز از دل سیاق آیات، مرجع ضمیری را مشخص می‌کند که چه بسا یافتن آن برای اهل فن هم بسیار دشوار است. (ناجی صدره، ۱۳۹۶، ص ۲۴۱)

۳-۵-۱-۲. نقش سیاق در کشف معنای صحیح

کاربرد قاعده «سیاق» برای فهم صحیح متن منقول، یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن در تسنیم محسوب می‌شود.

لذا در متون آیات و روایات، هر جا ردّ پایی از مطالب غیر معقول، نظیر حلول، اتحاد، تجسم، تجسد، تشنیه و تثلیث یافت شود - و به تعبیر ایشان بوی نامطبوع حلول خدای سبحان یا اتحاد وی با مخلوق، چه عادی چه قدسی از آن استشمام شده و فاهمه را برنجاند و عاقله را بگزد - با استفاده از شواهد مُتَقَنّ سِباَق و سِباَق ورود می‌نمایند تا از آن غبارروبی کنند. زیرا معتقدند متون اسلامی همواره بر محور توحید ناب بیان شده و هرگز مطالب غیر معقول، نظیر حلول، اتحاد، تجسم، تجسد، تشنیه و تثلیث در آن‌ها یافت

نمی‌شود.» برای مثال:

«قال أمير المؤمنين عليه السلام: «وألزموا السواد الأعظم، فإن يد الله مع الجماعة وإياكم والفرقة! فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب. ألا من دعا إلي هذا الشعار فاقتلوه ولو كان تحت عمامتي هذه؛ فإنما حُكِّمَ الحَكَمَانِ ليحييا ما أحيا القرآن ويميتا ما أمات القرآن وإحياؤه الاجتماع عليه وإماتته الافتراق عنه.»

در توضیح عبارت فوق، جناب ایشان از سیاق روایت استفاده کرده و مراد از «السواد الأعظم» را همان جامعه اسلامی و انبوه و توده مردم می‌داند؛ نه شهر بزرگ، و برای اثبات مدعای خود می‌گویند:

«(زیرا به دنبال آن فرمود: قدرت و عنایت خدا با جماعت است؛ یعنی در صحنه باشید و در جمعه و جماعات و مراسم عمومی اسلامی شرکت کنید؛ نه آنکه فکر تکروی داشته باشید و گرفتار شیطان شوید.)» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۸۱)

کارکردهای سیاق در تفسیر آیات

در تفسیر قرآن به قرآن می‌توان از سیاق آیات به عنوان قرینه پیوسته کمک گرفت؛ مفسر تسنیم از ظرفیت سیاق برای رسیدن به مفاد استعمالی و مراد جدی خداوند بهره برده است. از جمله: در معنا و مراد کلمات، تعیین معنا و مراد جملات، توسعه و ضیق معنا، ترکیب آیات، بیان ترتیب نزول آیات، تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، نقد روایات تفسیری، تعیین مرجع ضمیر، بیان محذوفات، تعیین مصداق آیات، ترجیح و تعیین یکی از قرائات و بالاخره ارزیابی دیدگاه مفسران.

۱. نمونه دوم: جوادی آملی، ۱۳۸۸-الف، ج ۱۶، ص ۶۶۴.

نمونه سوم: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۱؛ ذیل بحث روایی سوره انفال آیه ۲۴ جوادی آملی، ۱۳۹۳-الف، ج ۳۳، ص ۴۰.

نمونه چهارم: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۴۰۷ و ۴۰۸.

نمونه پنجم: جوادی آملی، ۱۳۸۶-ب ج ۲، ص ۴۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳-ش ج، ص ۳۴۹.

نمونه ششم: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۰۲.

۳-۵-۱-۲. گزینش یا رد احتمالات تفسیری

«در این قسم، تفسیر دقیق آیه یا بخشی از آن با کمک و عنایت بر سیاق آیات قبل و بعد از آن، ظهور پیدا می‌کند.

استاد جوادی آملی برای این قسم به آیه تطهیر استناد می‌کنند و معتقدند تدبر در سیاق آیه تطهیر نشان می‌دهد که محتوای آن مخصوص گروه معین است و زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشمول و مندرج در آن نیستند؛ چرا که اگر نیک بنگریم، خواهیم دید که از آیه ۲۸ تا آیه ۳۴ سوره مبارکه احزاب، ضمایر استفاده شده، جمله‌گی جمع مونث است، اما قسمتی که مرتبط با پیام تطهیر است دو ضمیر جمع مذکر را در بر گرفته است که با جملات قبل و بعد و سیاق آنها هماهنگ نیست. لذا جناب استاد عقیده دارد که مراد از آیه تطهیر به هیچ عنوان نمی‌تواند زنان پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد و شان نزول آیه نیز دلیلی است بر این مدعا.

کشف معنی کلمات از سیاق

با استفاده از سیاق درونی آیه، کلمه فتنه در آیه ۱۰۱ سوره نساء «وَإِذَا صَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» را آزار کافران، معنا کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۲۷۴)^۱

۳-۵-۱-۳. کشف معنی جملات آیه از سیاق

مفسر تسنیم در تفسیر آیه «یوتی الحکمة من یشاء...» می‌نویسد:

«... سیاق آیات که در مقام تشویق مؤمنان به انفاق و بیان پاداش آن است، اقتضای می‌کند که حکمت از مصادیق عطا و فضل الهی به انفاق کنندگان مال طیب باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷-الف، ج ۱۲، ص ۴۲۸).^۲

۱. مثال دیگر: معنی «سمیع و علیم»: تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۷۲ / معنای «تقوا»: تسنیم، ج ۱۵، ص ۴۸۴. معنای

«صرهن»: تسنیم، ج ۱۲، ص ۲۸۳، ج ۲۲، ص ۳۶۶، ج ۵، صص ۱۷۹-۱۸۰.

۲. مثال دیگر: با توجه به سیاق آیه سوره ۲۴ بقره مراد از کفر، کفر اعتقادی است. تسنیم، ج ۲، ص ۴۵۴. نیز

ج ۱۱، صص ۳۴۰-۳۴۱، ج ۵ ص ۵۴۱ معنای «رفعنا فوقکم الطور»، ج ۳۰، صص ۴۳۵، ۴۳۴، معنای

«الذین یتبعون الرسول».

۳-۵-۱-۴. نقش سیاق در حکم به عمومیت مفاد آیه یا تشخیص مصادیق آن

در تفسیر تسنیم، از سیاق، گاه برای حکم به عمومیت مفاد آیه، بهره گرفته شده و گاه آن را قرینه‌ای دانسته برای آنکه مهم‌ترین مصداق و قدر متیقن از آن را مشخص نموده و یا به اختصاصی بودن حکم مزبور، حکم نماید. (ناجی صدره، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹)

برای مثال در بیان اینکه دعوت به تقوا در آیه ۲۰۷ سوره بقره، همه معصیت‌ها را شامل می‌شود، یکی از دلایل این عمومیت را سیاق آیات دانسته است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۳)

۳-۵-۱-۵. ترکیب آیات و تشخیص ضمیر مرجع در آیه به کمک سیاق

مفسر تسنیم می‌نویسد: ضمیر در «حتی اذا جعله...» در آیه ۹۶ سوره کهف با توجه به سیاق، به ذوالقرنین باز می‌گردد. (جلسه پایانی تفسیر سوره کهف)^۱

۳-۵-۱-۶. توسعه و ضیق معنا با توجه به سیاق

ایشان ذیل آیه کریمه «لیس علیکم جناح ان تبغوا فضلا من ربکم» (سوره بقره، آیه ۱۹۸) معنای فضل را، علیرغم شمول آن بر نعمت‌های معنوی، با توجه به سیاق، بهره‌های مادی و صحیح دنیایی دانسته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، صص ۱۲۲-۱۲۵، ۲۴۹-۲۵۰)^۲

۳-۵-۱-۷. بیان ترتیب نزول آیات

در تفسیر تسنیم، با توجه به سیاق نزول آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره را هم‌زمان می‌داند که مقصود جملگی آن‌ها، تشریح نبرد با مشرکان مکه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۵۶۹)^۳

۳-۵-۱-۸. تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها

ایشان همچنین در مورد سوره انعام و اعراف به دلیل وحدت سیاق آیاتشان، آن‌ها را مکی

۱. تعیین مرجع ضمیر در (علیه و ابده) در ذیل آیه ۴۰ سوره توبه، ج ۳۴، مرجع ضمیر «هم» در آیه ۱ سوره اعراف به بت‌ها (تسنیم، ج ۳۱، صص ۵۵۷-۵۵۸).

۲. مثال دیگر: حرف تأکید نشان حصر نیست. رجوع شود به تسنیم، ج ۱۳، ص ۲۴۰.

۳. مثال دیگر: مفسر نزول آیات سوره آل عمران یکجا دانسته است، تسنیم، ج ۱۳، صص ۴۸-۵۰.

قلمداد کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، صص ۳۳۴-۳۳۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۸، صص ۳۱-۳۲)^۱

۳-۵-۱-۹. نقد روایات تفسیری

تسنیم، ذیل آیه «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيِ الْعَيْنِ...» می‌نویسد:

«اگر این بخش از روایت «و یكثر الکفار فی أعین المسلمین» به همین صورت تام باشد، نمی‌توان گفت که «يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ» یعنی کافران، مسلمانان را دو برابر می‌دیدند، زیرا با سیاق آیه مورد بحث سازگار نخواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷-الف، ج ۱۲، ص ۲۹۱)^۲

۳-۵-۱-۱۰. تعیین مصداق آیه

مفسر تسنیم، ذیل آیه شریفه «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف / ۶) بر اساس قرینه سیاق آیات پیشین، مصداق «أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ» را مردم و «مُرْسَلِينَ» را پیامبران بیان می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۷، صص ۱۰۶-۱۰۷)^۳

۳-۵-۱-۱۱. ترجیح یکی از قرائات تفسیری

وی درباره قرائت «لَا» در «لَا تُصِيبَنَّ» آیه مبارکه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال / ۲۵) قرائت کرده‌اند برخی «لَا» را زائد پنداشته‌اند و برخی قسم دانسته‌اند. لیکن ایشان «لَا» را زائد نمی‌دانند، بلکه بر اساس سیاق آیات، قرائت صحیح را «لَا تُصِيبَنَّ»، همان قرائت رایج دانسته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳-الف، ج ۳۲، ص ۳۰۳). مثال دیگر ترجیح قرائت مجهول «لايضار» بر قرائت معلوم این فعل با توجه به سیاق (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۶۳۱).^۴

۱. مثال دیگر: سوره نساء را به دلیل سیاق آیاتش مدنی دانسته است، تسنیم، ج ۱۷، ص ۳۵.

۲. مثال دیگر: تسنیم، ج ۳۱، صص ۵۰۳-۵۰۴.

۳. مثال دیگر اینکه مصداق امیون را در آیه ۷۸ سوره بقره راجع به گروهی خاصی از یهود می‌داند. (تسنیم، ج ۵، ص ۳۰۱) هم چنین مصداق فتنه را در آیه ۱۹۱ سوره بقره شرک و بت پرستی جهت دار دانسته است. (تسنیم، ج ۹، صص ۶۱۴-۶۱۵).

۳-۶. ارتباط صدور و پیوستگی نزول، شرط تحقق سیاق

یکی از اصول کلی تفسیر تسنیم این است که پیش از بررسی روایات (محصول ثقل اصغر) و نیز سیاق آیات و سیاق بیرونی آیه، باید به تحلیل درونی آیه مورد بحث پرداخت؛ یعنی پیش از توجه به ارتباط آیه با گذشته یا آینده، باید سیاق درونی آیه تحلیل شود، چون از نظرایشان ارزش و تأثیر قرینه خارجی پس از تأمل در قرینه داخلی است، لذا ایشان معتقدند که نخست باید صورت‌ها و حالات سه‌گانه سیاق آیات با توجه به پیوند یا عدم پیوند دو آیه یا بخش‌های مختلف از یک آیه، بررسی شوند تا در پایان بررسی، جمع‌بندی نهایی آن‌ها صورت گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۳۶۵)

آیت الله جوادی آملی رابطه عبارات و آیات مختلف قرآنی را با یکدیگر به سه گروه تقسیم می‌کند:

۱. گاهی پیوند دو عبارت قطعی است و آن در صورتی است که مفاد آیه‌ای سؤال و مضمون آیه پس از آن، پاسخ آن پرسش باشد.

۲. گاهی عدم پیوند بین دو عبارت وجود دارد مانند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» (مائده / ۳) با عبارات قبل. چرا که نزول چند مطلب فقهی نظیر احکام یاد شده هرگز سبب یأس کافران نخواهد شد. لذا این عبارت با قسمت قبلی نازل نشده و اگر هم نازل شده جمله معترضه می‌باشد.

۳. مشکوک بودن پیوند: به باور حضرت آیت الله جوادی آملی بسیاری از آیات قرآن چنین است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۳، ص ۲۶۷)

مفسر تسنیم تمسک به سیاق آیات را در جایی می‌دانند که برای ما احراز گردد که آیات مربوطه یکجا و با هم نازل گردیده اند. در این صورت می‌توان به وحدت سیاق آیات استناد کرد، اما در صورتی که برای ما محرز نشود که آیات، یکجا نازل شده است، نمی‌توان به سیاق آیات، استناد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۵۵)

۳-۷. کارکردهای سباق

۳-۷-۱. کاربرد سباق در فهم روایات

«مفسر تسنیم، گرچه واژه «سباق» را برای این قاعده برگزیده، اما از معنای متبادر به ذهن، در قالب عناوین دیگری مانند «روح روایت»، «لحن سخن»، «فضای کلی»، «کیفیت تعبیر» یا «شواهد و قرائن داخلی» نیز استفاده کرده است. (ناجی صدره، ۱۳۹۶، ص ۲۴۶) برای مثال:

روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ»

و بعد با توجه به سیاق آیه می‌نویسد:

«روح روایت که می‌فرماید مسائل مورد نیاز امت اسلامی از سوی خداوند تبیین شده، حاکی از این است که این حدود در دسترس جامعه نیز قرار گرفته‌اند.» (جوادی آملی، ۱۳۹۳ش-ب، ص ۱۲۰)

همان‌طور که ذکر شد، مفسر گاهی از عبارت «روح روایت» به جای سباق بهره‌مند شده است.^۱

۳-۸. غلبه سباق بر سیاق

آیت الله جوادی آملی ضمن اشاره‌ای به مفهوم سباق، بیان می‌کنند که سباق آیه، می‌تواند مانع از ظهور مفهوم سیاق گردد و اگر در جایی سیاق هم ظهور داشته باشد، قدرت مقاومت در برابر سباق را ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، درس خارج فقه).

۴. نتایج مقاله:

۱. استفاده از قاعده سیاق، اگرچه پیشینه‌ای طولانی دارد، ولی جمعی از جمله علامه طباطبایی و به ویژه آیت الله جوادی آملی به صورت گسترده و بی سابقه‌ای از آن در تفسیر آیات و تبیین روایات استفاده کرده‌اند.

۱. نمونه دوم: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۷۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱۸۳.
نمونه سوم: ذیل بحث روایی آیه ۱۳۴ سوره بقره، جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۵۱۸.

۲. برخلاف علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی تعریف جامعی از سیاق و سباق ارائه می‌کند.
۳. آیت الله جوادی آملی سیاق و سباق را نشانه وحدت نزول یا صدور دانسته، اما ناهماهنگی این دورا حاکی از تعدد نزول یا صدور ارزیابی می‌کند.
۴. ایشان معتقدند: مستفاد از سیاق و سباق گاهی معارض‌اند و گاه قابل جمع، و هر دو به استظهار یکدیگر، نکته‌ای تفسیری را بیان می‌کنند.
۵. از نظر ایشان سیاق هرگز ارزش سباق را ندارد و در هنگام تعارض، سباق بر سیاق مقدم است.
۶. سیاق کارکردهای متعددی دارد که به فهم آیات و روایات کمک شایانی می‌کند. برخی از این کارکردها عبارتند از: نقش سیاق در شناخت مرجع ضمیر، کشف معنای صحیح، رد یا قبول احتمالات تفسیری، کشف معنی مفردات و جملات، حکم به عمومیت مفاد آیه یا تشخیص مصادیق آن، توسعه و ضیق معنا، تعیین مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، ترجیح یکی از قرائات تفسیری.

فهرست منابع:

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید ابن هبة الله، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، چاپ سوم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، سمیعی، جمشید، خاتم الانبیاء، اصفهان، ۱۳۸۶ ش.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۴۱۶ق.
- ایزدی، مهدی، نور الدین زندیه، سیاق و سباق در مکتب تفسیر علامه طباطبایی، مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.

- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت، قم.
- پور علمداری، ابراهیم نصرالله، حدیث اندیشه، بهار و تابستان، ۱۳۹۱ش، شماره ۱۳، ص ۷۳.
- جوادی آملی، عبد الله، زن در آینه جلال و جمال، نشر اسراء، قم، (۱۳۹۳ش - ج).
- جوادی آملی، عبد الله، ادب فنای مهربان، ج ۷، ۶، ۵، ۲، ۱، قم، نشر اسراء، (۱۳۸۹ش - ب).
- جوادی آملی، عبد الله، شمس الوحی تبریزی، قم: انتشارات اسراء، (۱۳۸۸ - ب).
- جوادی آملی، عبد الله، سرچشمه اندیشه، ج ۳، ۱، ۵، نشر اسراء، قم، (۱۳۸۶ش - ب).
- جوادی آملی، عبد الله، عین نضاح (تحریر تمهید القواعد)، ج ۲، ۱، چاپ اول، قم، نشر اسراء، (۱۳۸۷ش - ب).
- جوادی آملی، عبد الله، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، قم، (۱۳۹۳ش - ب).
- جوادی آملی، عبد الله، عید ولایت، نشر اسراء، قم، (۱۳۸۷ش - ج).
- جوادی آملی، عبد الله، تسنیم، ج ۱-۳۸، نشر اسراء، قم، (۱۳۸۸ش - ۱۳۹۳ش - الف).
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ق.
- درس تفسیر قرآن کریم، (مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۸ - ج) پایگاه اینترنتی مدرسه فقهت به نشانی: <http://eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/tafsir/87> (870828)
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۵)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۳)، *هرموتیک و منطق فهم دین*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- رجبی، محمود (۱۳۸۷)، روشن تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زمخشری، محمود بن عمر، *أساس البلاغة*، چاپ اول، دارصاد، بیروت، ۱۹۷۹م.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۵)، *دروس فی علم الاصول*، بی نا، قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، نوبت چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳)، *قرآن در اسلام*، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (التفسیر طبری)*، دارالمعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمی، ۱۳۸۰ق.
- غفاری، علی اکبر، *دراسات فی علم الدراية*، تهران، سمت و دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- کنعانی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، فصلنامه مشکوة، سال نهم، شماره ۷ و ۸.

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ج ۶، ج ۸، ج ۸۹، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
- مرتضی عاملی، سید جعفر، اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر، ترجمه: محمد سپهری، چاپ چهارم، قم، انتشارات بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ ش.
- مروتی، سهراب؛ زینی‌وند، مجتبی؛ آسا، حسین، روش‌شناسی به کارگیری قاعده سیاق در تفسیر تسنیم، ۱۳۹۳ ش، ش ۱۲۲.
- مظفر، محمد رضا، اصول فقه، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۵ ش.
- مظفر، محمد رضا، اصول فقه، ترجمه: ذهنی‌تهرانی، سید محمد جواد، چاپ اول، گنجینه ذهنی، ۱۳۸۸ ش.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶)، اصول فقه، مترجم: عبدالله اصغری، اصفهان: ناشر موسسه قائمیه.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۳)، التفسیر الاثری الجامع: قم: مؤسسه التهمید.
- معین، محمد (۱۳۶۳ ش)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ناجی صدره، طاهره، پایان‌نامه فهم احادیث تفسیری در تفسیر تسنیم، استاد راهنما: موسوی، سید محسن، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات معارف و اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
- ناجی صدره، طاهره، روش‌شناسی تفسیر تسنیم، استاد راهنما: پیروزفر، سهیلا، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات معارف و اسلامی، ۱۳۸۹ ش..